

بررسی مفهوم بیداری و مسئولیت اجتماعی در حکمرانی اسلامی با تأکید بر آیه ۲۰۰ آل عمران در تفاسیر فریقین

لیلا بابایی^۱ | احمد مرادخانی^۲ | علیرضا عسگری^۳

چکیده

در تعالیم اسلام، توجه به بیداری و مسئولیت اجتماعی و برآوردن نیازهای ضروری مردم از اولویت‌ها است. سرمایه اجتماعی در حکمرانی اسلامی، یکی از مهم‌ترین مفاهیم کاربردی است. در جامعه متعالی، بیداری به انسان قدرت تفکر و تعقل داده و بینش و افق دید او را گسترش می‌دهد. هر جا انسان متوقف گردید، جامعه نیز از حرکت ایستاد. حرکت و ایستایی در لوای شعار توحید و خداپاوری معنا یافته و ایمان، جلوه‌ای تازه پیدا می‌کند. زمانی که در انسان بیداری جریان پیدا کرد، خود را از جامعه و دغدغه‌هایش جدا نمی‌د و با صبر و دعوت به صبر (مصابره) و قرار گرفتن در خط مقدم جهاد (مرباطه) و تقوای الهی، مسئولیت اجتماعی خود را به بهترین شکل انجام داد. این مقاله با بررسی نظرات مفسرین فریقین درباره آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، با روش توصیفی - تحلیلی و محتوایی، به بررسی کلیدواژه بیداری و مسئولیت اجتماعی در حکمرانی اسلامی در تفاسیر فریقین پرداخته است. هدف مقاله برداشتن گامی در راه اثبات کارآمدی حکمرانی اسلامی و احیای تمدن نوین اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: بیداری، مسئولیت اجتماعی، فریقین، مصابره، مرباطه

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. ایمیل: taninebehesht@gmail.com

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، (نویسنده مسئول)
ایمیل: ah_moradkhani@yahoo.com

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. alireza.asgari88@gmail.com



مقدمه

سرمایه اجتماعی در حکمرانی اسلامی یکی از مهم‌ترین مفاهیم کاربردی است. در خصوص این مفهوم از سوی دانشمندان غربی، مباحثی مطرح گردیده است. با بررسی و دقت نظر در دیدگاه اسلامی، بعداً اینکه خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار می‌دهد، به واژه‌هایی چون وحدت، عدالت، تعاون، مشورت، مصابره و مرابطه برمی‌خوریم. اجرای این اصول اسلامی در ابعاد فردی و اجتماعی، تأثیر زیادی در مسیر رشد این سرمایه اجتماعی دارد تا انسان بتواند در بالاترین سطح ممکن به انجام صحیح مسئولیت اجتماعی اقدام کند. مسئولیت اجتماعی در اسلام، به عنوان یکی از عناصر اصلی در تربیت و آموزش اعضای جامعه به شمار می‌رود که بر پایه ارزش‌های اخلاق اسلامی مانند محبت، عدل، همدلی و خیرخواهی استوار است. مهم‌ترین عاملی که در اینجا به چشم می‌خورد، خطاب قرار دادن مؤمنین است. این نشان می‌دهد که ایمان، رابطه مستقیمی با بیداری دارد و این سرمایه اجتماعی اسلامی است که می‌تواند در ابعاد مختلف و بر اساس اصولی مانند ایمان، بیداری، مصابره و مرابطه، جنبه اجتماعی بسیاری از دستورات اسلامی را به شکل عالی به منصفه ظهور برساند. این الگوی اسلامی در کنار معرفی مشارکت صحیح اجتماعی و تبیین آن، اعلام می‌کند که مشارکت و انجام صحیح مسئولیت اجتماعی با الگوی اسلامی، می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر رشد و توسعه جامعه اسلامی در حکمرانی اسلامی داشته باشد. این مقاله برای اثبات همین ادعا و با استناد به آیه ۲۰۰ سوره آل عمران تدوین شده است که در ادامه و با بررسی آرای مفسرین اسلامی، به آن پرداخته خواهد شد.

درباره موضوع تفسیری آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) از منظر تفاسیر فریقین، اگر چه مفسران مطالبی را در ذیل آیه نگاشته‌اند و میراث گران‌بهایی به یادگار گذاشته‌اند؛ اما تا آنجا که بررسی شد، در این زمینه محمد جواد فلاح، مقاله‌ای تحلیل تفسیری جایگاه و نقش «مصابره» و «مرباطه» در پیوند با امام عصر^(ع) با محوریت این آیه نگاشته است، ولی در زمینه مفهوم بیداری از نگاه فریقین با توجه به این آیه شریفه، کتاب یا مقاله‌ای مستقلاً به این موضوع نپرداخته است.



۱. مفهوم شناسی

۱-۱. بیداری

یقظه در لغت به معنای بیدار شدن از خواب یا «انتباه من النوم» و توجه است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۷: ۴۶) غفلت ضدّ یقظه و توجه است. امام علی^(ع) در نهج البلاغه خطبه ۱۵۱ فرمود: «وَاسْتَيْقِظْ مِنْ غَفْلَتِكَ؛ از غفلت بیدار شو». (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ۵: ۱۱) تفسیر البعث علی سبعة أوجه الإلهام «الإحياء» فی الدنيا، الیقظة من النوم، التسلیط، الإرسال، البیان والتّصب، التّشور من القبور. (دامغانی، ۱۴۱۶، ۱: ۱۵۰) در همین راستا «ایقاظ» مصدر «ایقظ» به معنای بیدار کردن فردی از خواب است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۹) در مقابل آن «رُقُود» جمع «راقد» به معنای خفته آمده است. این واژه تنها یک بار در قرآن مجید به کار رفته و معنای دیگری برای این واژه با عنوان فطن و زیرک نیز بیان شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۷: ۴۶) «یقظه» اول به ظهور نور حیات حقیقی در دل بنده نیازمند است، به جهت مشاهده پرتو نور تنبّه الهی که مبدأ و منشأ کشش است. (انصاری، ۱۴۱۷: ۳۵ - ۳۶)

بعضی از عارفان، آن را یکی از منازل آغازین سیر و سلوک دانسته‌اند. لذا در اصطلاح عرفان اسلامی، بیداری از خواب غفلت و توجه به اعمال و کردار گذشته، برای جبران خطاها و جهت‌گیری‌های صحیح در آینده است. (مطیع و دیگران، ۱۳۹۲) لويس معلوف به «نُهوَض شَعْب» به معنای ظهور مردم اشاره می‌کند که به معنای واقعی انجام صحیح مسئولیت که همان خودآگاهی است که نقطه مقابل غفلت است. (معلوف، ۲۰۰۰: ۱۴۵۷)

از نظر بیداران حقیقی عالم هستی، همه عالم در حال جابجایی، تغییر شکل، تبدیل و نو شدن است. انسان نیز به عنوان جزئی ارزشمند از این هستی، باید ضرورت داشته باشد و به منظور دستیابی به کمال و ظهور زمینه‌های بالقوه و فعلیت استعدادها، باید از نظر باطنی سفر کند. اولین منزل سفر باطنی به سمت کمال، بیداری است؛ بیداری و تغییرات انفسی، بینشی، گرایشی و کنشی تا به اختیار خویش حرکت کرده و از محسوسات با خبر شود. انسانی که بر اساس فطرت توحیدی آفریده



شده، کمال‌خواه و حق‌طلب است و اگر حقایق هستی و دینی را به طور صحیح دریافت کند، حتماً می‌پذیرد. (قاسمی آرانی، ۱۳۹۲)

۱-۲. مسئولیت اجتماعی

مسئولیت (مَسْئُولِيَّة) از ماده «سأل يسأل سؤالا» و مصدر صناعی از مَسْئُول است. مثلاً مَسْئُولِيَّة اخلاقیة؛ یعنی «التزام الشخص بما يصدر عنه قولاً أو عملاً». یا «مَسْئُولِيَّة جماعیة؛ یعنی التزام تتحمّله الجماعة». (عمر احمد مختار، ۱۴۲۹، ۲: ۱۰۲۰) سؤال در لغت یعنی طلب و خواستن است و مَسْئُول، به معنای پاسخ‌گو بودن و مورد بازخواست قرار گرفتن است. ارباب لغت، آن را مرادف با موظّف بودن یا متعهد بودن به انجام امری می‌دانند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۴: ۴۴۷) سائل یعنی طالب، مَسْئُول یعنی همان شخصی که جوابگوی مطلوب است و مسئولیت عبارت است از مطلوبی که مورد سؤال و بازخواست واقع می‌شود. (اسکی و دیگران، ۱۳۹۹)

اجتماع در لغت به معنای گردآمدن، تجمع، انجمن شدن، فراهم آمدن است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱: ۹۲) برخی از اندیشمندان، به مباحثی همچون تعهد باوری و مسئولیت‌شناسی پرداخته و جامعه انسانی را بر پایه انسجام گروه‌های اجتماعی استوار می‌دانند و به مسئولیت‌های اجتماعی، از جمله نیازهای مردم، ستم‌کشان، ستمگران، بدهکاران، مستضعفان، یتیمان، مشورت‌خواهان و... اشاره می‌کنند. (حکیمی، ۱۳۸۴: ۲۵) مسئولیت اجتماعی بیانگر احساس و عملی از انسان است که در چارچوب موقعیت‌ها و نقش‌های او به صورت آگاهانه و آزادانه نسبت به امور مختلف از جمله امور اجتماعی، از خود بروز می‌دهد و نیز از مهم‌ترین و هدفمندترین بخش از تربیت آدمی است که می‌توان اثرات آن را به گونه‌ای همه‌جانبه در زندگی انسان‌ها و در ابعاد مختلف اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، فکر و غیره مشاهده کرد. (سبحانی نژاد، ۱۳۷۹) دغدغه‌مندی، تعهد داشتن به صورت آگاهانه نسبت به امور اجتماعی که از انسان به عنوان جزء از کل اجتماع را می‌توان مسئولیت اجتماعی نامید.



۳-۱. رابطه

ربط در لغت به معنای بستن و محکم کردن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۷: ۳۰۲) ملازمه ثغر العدو، یعنی ماندن در شکاف دشمن. به شخصی که در مرزها حاضر شده و از تمامیت کشور اسلامی محافظت می‌کند، «مرباط» گفته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۷: ۴۲۲) «فَالْمُرَابَّطَةُ ضَرْبَانُ: مِرَابَطَةٌ فِي ثُغُورِ الْمُسْلِمِينَ وَ هِيَ كِمِرَابَطَةِ النَّفْسِ الْبَدَنِ، فَإِنَّهَا كَمَنْ أَقِيمَ فِي ثُغْرِ وَ فَوْضَ إِلَيْهِ مِرَاعَاتُهُ، فَيَحْتَاجُ أَنْ يِرَاعِيَهُ غَيْرَ مُخَلٍّ بِهِ وَ ذَلِكَ كَالْمُجَاهِدَةِ». (راغب، ۱۴۱۶: ۳۳۸) این که قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ...». (انفال: ۶۰) در اینجا، رباط مصدر به معنای مربوط است؛ یعنی بسته شده، یا جمع «ربیط» است و به همان معنا، ولی استعمال آن در اسب‌هایی که برای جهاد بسته می‌شوند، غلبه پیدا کرده است. (ریاضی، ۱۳۷۲، ۶: ۷۱) بنابراین «رباط الخیل» به معنای اسب‌هایی است که برای جنگ آماده شده است. رابطه هم از ریشه «ربط» است که به باب مفاعلة رفته و به معنای مواظبت کردن (از طریق بستن و منع کردن) است. (فیومی، ۱۴۲۸، ۲: ۲۱۵) «رباط» نیز مصدر «ربط» است که به همان معنای بستن می‌آید. در اصطلاح فقها رباط و رابطه به وقتی گفته می‌شود که عده‌ای برای مراقبت از مرزها و مراقبت از تحرکات دشمن در آن سوی مرزها در آن مناطق حاضر شوند و اگر در آنجا برای مدتی ساکن شوند، به آنان «مرباط» گفته می‌شود. (عاملی، ۱۴۱۰، ۲: ۳۸۵)

۴-۱. المصابرة

«صَابِرُوا» به صبر دسته‌جمعی دلالت دارد. در آیه مورد بحث آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا». معنای آیه چنین می‌شود ای مؤمنان از حیث فرد و عموم خویشتان دار باشید و میان خویش رباط ایجاد کنید. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ۳: ۴۷) باب من الصبر ذکر بعد الصبر علی ما یجب الصبر علیه، تخصیصاً لشدته و صعوبته وَ رَابِطُوا وَ أَقِيمُوا فِي الثُّغُورِ رَابِطِينَ خِيْلَكُمْ فِيهَا، مترصدین مستعدین للغزو. قال الله عز وجل: «وَمِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ». (زمخشری، بی‌تا، ۱: ۴۶۰)

۲. شان نزول آیه

محمد بن ابراهیم النعمانی بعد از هفت واسطه از امام محمدباقر^(ع) و ایشان از پدر بزرگوارش امام علی بن الحسین^(ع) روایت کند که عبدالله بن عباس کسی را نزد امام فرستاد تا درباره این آیه از او سؤال کند. امام زین العابدین^(ع) در خشم شد و به شخص سائل فرمود: «خیلی میل داشتم با آن کسی که تو را به این منظور فرستاده، مواجه می‌شدم تا به خودش می‌گفتم. سپس فرمود: این آیه درباره ما اهل البیت^(ع) و پدرم نازل شده است و از این به بعد دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم، جز از نسل او نمی‌تواند باشد. منظور امام خلفاء بنی عباس بوده‌اند که از نسل عبدالله بن عباس بوده و نسبت به آل محمد و ائمه اطهار^(ع) دشمنی فراوان ابراز داشتند. ابوذر از رسول خدا^(ص) نقل کند و گوید: پیامبر به من فرمود «ای ابوذر آیا می‌دانی این آیه چرا نازل شده است؟ ابوذر گفت: نه یا رسول الله. فرمود: درباره انتظار نماز بعد از به جای آوردن هر نمازی نازل شده است.» نیز ابوالطفیل از امام باقر^(ع) روایت کند که فرمود: «این آیه درباره ما اهل البیت^(ع) نازل شده است و دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم، از خود ما خواهد بود (منظور امام خلفای عباسی بوده که از نسل عباس عموی پیامبر بوده‌اند). (تفسیر عیاشی) حسین بن مساعد از طریق مخالفین نقل و روایت کند که این آیه درباره رسول خدا^(ص) و امام علی مرتضی^(ع) و حمزه سیدالشهداء نازل گردیده است. (محقق: ۱۷۷)

۳. رابطه ایمان و بیداری

خداوند متعال به همه موجودات بر اساس ظرفیت وجودی آنها، بهره‌ای از نور خود عطا می‌کند که این نور قابل کم و زیاد شدن است؛ یعنی انسان در صورت داشتن ایمان و انجام اعمال صالح نور آنها زیادتر شده و به خداوند نزدیک‌تر شده و از ظلمات بیرون می‌آیند و به سمت نور حرکت می‌کنند و به قرب الهی می‌رسند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مَبِينَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (طلاق: ۱۱) پیامبری که آیات روشن‌گر



خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون برد». تلاوت آیات الهی آن‌ها را از تاریکی‌های کفر و جهل و گناه و فساد و اخلاق بیرون آورده و به سوی نور ایمان و توحید و تقوا رهنمون می‌سازد. (مکارم، ۱۳۷۸، ۵: ۲۱۹) گاهی اوقات، محیط اطراف انسان در غفلت و بی‌توجهی است. این غفلت‌ها همه از کفر برخاسته است و زمانی که غفلت شکل گرفت تا حد اشتغال به غیر و کفر پیش می‌رود. «ذَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ»، در حالی که در محیط ذکر و توجه که همراه با تبتّه و بیداری است، انسان از خودش شرم‌منده می‌شود و در آینه چهره و حضور دیگران، بخل و کوتاهی خودش را می‌بیند. (صفایی حائری، ۱۳۸۶: ۷۶)

ملاصدرا در موضوع ایمان می‌گوید: «بدان که ایمان و سایر مقامات دینی و معالم شریعت سید المرسلین^(ص) منحصراً در سه امر تنظیم یافته است: معارف، احوال و اعمال. اما معارف، اصول دین است که احوال را نتیجه داده و احوال نیز اعمال را بر جای می‌گذارد. مراد از معارف، علم به خداوند: فات و افعال او، کتب الهی رسولان و روز رستاخیز است و مراد از احوال، داشتن و بریدن از غرائز و آلودگی‌های نفسانی از قبیل شهوت، غضب، حب و دوستی دنیا، اه و مقام است و مراد از اعمال نیز انجام دادن واجباتی است که خداوند به آن فرمان داده و همچنین ترک محرماتی که خداوند متعال انسان را از انجام آن نهی فرموده است». (خادمی، ۱۳۹۳)

ایمان علم به اصول ایمانی ذکر شده در بالا است و تا وقتی که انسان به این اصول، معرفت پیدا نکرده است، نمی‌تواند ادعای ایمان کند. (فخر رازی، ۱۳۶۲) در قرآن کریم آمده است: «قسم به آنچه می‌بینید و آنچه نمی‌بینید». (حاقه: ۳۸-۳۹) این آیات بیان‌کننده عالم شهادت (آنچه می‌بینید) و عالم غیب (آنچه نمی‌بینید) هستند. پس متعلق ایمان، عالم غیب است که مرز میان شخص مؤمن و غیر مؤمن را مشخص می‌کند و اگر غیب را از متعلق بودن ایمان حذف کنیم، چیزی نمی‌ماند تا به آن ایمان آورده شود. (خادمی، ۱۳۹۳)

انسان مانند برخی از جانداران دیگر، اجتماعی آفریده شده است. زندگی سالم



اجتماعی آن است که افراد، ارزش‌های اخلاقی را محترم بشمارند، با یکدیگر مانند اعضای یک پیکر، متحد و متفق باشند. آن چیزی که بیش از هر چیز حق را محترم، عدالت را مقدس، دل‌ها را به یکدیگر مهربان و اعتماد متقابل را میان افراد برقرار می‌سازد، تقوا و عفاف را تا عمق وجدان آدمی نفوذ می‌دهد، به ارزش‌های اخلاقی اعتبار می‌بخشد، شجاعت مقابله ایجاد می‌کند و همه افراد را مانند اعضای یک پیکر به هم پیوند می‌دهد و متحد می‌کند، ایمان مذهبی است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۷) در رابطه با نسبت ایمان با اخلاق و عدالت نیز گفتنی است که «ایمان آرامش دهنده روح و روان و ضامن قدرت قانون و عدالت است». (مطهری، ۱۳۸۶: ۶: ۱۱۹) در موضوع مسئولیت، مسئولیت زمانی مفهوم پیدا می‌کند که در هستی، خدایی و حکمتی و شعوری باشد. مسئولیت رابطه‌ای مستقیم با شناخت‌ها و با شناخت حکمت و شعور در هستی دارد. انسان از راه درک شعور در خود، شعور حاکم بر هستی را می‌فهمد و بر اساس قدرها، حد و اندازه خود، حقوق و قوانین را به وجود می‌آورد. (صفایی حائری، ۱۳۸۲: ۳۰۹) اسلام به‌راستی و در زبان عمل، نه زبان گفتار، به انسان‌ها می‌اندیشد و تأمین نیازهای انسانی را فوری‌ترین و تکلیفی‌ترین مسئولیت مدیران و زمامداران لایق می‌شناسد و هرگونه سستی و کوتاهی را از هرکسی و مقامی به‌هیچ‌وجه نمی‌پذیرد و فریاد «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» سر می‌دهد. (حکیمی، ۱۳۹۱: ۲۲۰)

۴. اقوال مفسرین اهل سنت در تفسیر آیه مورد بحث

۴-۱. میبدی: کشف الاسرار و عدة الابرار

صبر این آیه ۲۰۰ سوره آل عمران به برگزاری احکام شرع، فرمان‌های حق و بر مقاسات انواع بلا که به اراده و تقدیر حق به بنده رسد که حقیقت آن ترک شکوی است. وَصَابِرُواْ فِيْ قِتَالِ الْمَشْرِكِيْنَ وَكُوشِدْنَ فِيْ دِيْنِ الْحَقِّ وَنَصَرْتِ الْمُسْلِمِيْنَ است. وَرَابِطُواْ مَعْنٰی «مربطه» آن است که لشکر مسلمانان در ثغره‌های کفار اسبان ساخته دارند، بر آخرها بسته تا اذای کفار از مسلمانان بازدارند و نصرت دین اسلام را



بکوشند. از ربط گرفته‌اند و معنی «ربط» بستن است و استوار کردن، وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ اِزین است. پس هرکسی که در ثغر نشیند و دین اسلام را به پا دارد، با قامت حرب یا به اظهار حجت، او را «مرباط» گویند. (مبیدی، ۱۳۷۱، ۲: ۳۹۴) ثَغْر (به فتح ثاء) به معنای مرز است. چنان‌که در لغت، آمده است: «الثغر: من البلاد الموضع الذی یخاف منه هجوم العدو». (فیومی، ۱۴۲۸، ۱: ۴۷) در نگاه مبیدی، در دفاع از مرزهای اسلام، کوشیدن و به نصرت دین اسلام شتافتن است که با ایمان واقعی که به شناخت و بیداری می‌انجامد، مؤمن را به نصرت دین اسلام ترغیب کرده و با انجام صحیح مسئولیت اجتماعی خوی، حتی بدون مرکب و خیل پیا می‌خیزد.

۲-۱. فخر رازی: مفاتیح الغیب

فخر رازی بعد از اشاره به اصول و فروع دین و تکالیف، به جمیع آداب اشاره می‌کند که بر دو قسم است: «وذلك لأن أحوال الإنسان قسمان: منها ما يتعلق به وحده و منها ما یكون مشترکا بینة و بین غیره، أما القسم الأول فلا بد فیه من الصبر و أما القسم الثانی فلا بد فیه من المصابرة. أما الصبر فیندرج تحته أنواع: أولها أن یصبر على مشقة النظر و الاستدلال فی معرفة التوحید و العدل و النبوة و المعاد و على مشقة استنباط الجواب عن شبهات المخالفین... (فخر رازی، ۱۳۷۹، ۹: ۴۷۴) صبر در این آیه در نگاه فخر رازی؛ در مشقت استدلال‌ات در شناخت توحید، عدل، نبوت و معاد و در پاسخگویی به سؤالات و شبهات مخالفین است و أما المصابرة فهی عبارة عن تحمل المکاره الواقعة بینة و بین الغیر و یدخل فیه تحمل الأخلاق الردیة من أهل البيت و الجیران و الأقارب و یدخل فیه ترک الانتقام ممن أساء إلیک و قال: وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (فرقان: ۷۲) و یدخل فیه الإیثار على الغیر كما قال: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»، (حشر: ۹) و... و یدخل فیه الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، فان المقدم علیه ربما وصل الیه بسببه ضرر و یدخل فیه الجهاد فانه تعریض النفس للهلاک و یدخل فیه المصابرة مع المبطلین و حل شکوکهم و الجواب عن شبههم و الاحتیال فی إزالة تلك الأباطیل عن قلوبهم و... ((فخر رازی،

۱۳۷۹، ۹: ۴۷۴) در نگاه ایشان، حل کردن شکوک دیگران و پاسخگویی به شبهات و تقلب در زدودن آن باطل‌ها از دل آن‌ها است... و ذلك هو المراد بالمرابطة و أما قوله: وَ رَابِطُوا فِيهِ قَوْلَانِ: الأول: أنه عبارة عن أن يربط هؤلاء خيلهم في الثغور و يربط أولئك خيلهم أيضاً، بحيث يكون كل واحد من الخصمين مستعداً لقتال الآخر، قال تعالى: «وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (الأنفال، ۶۰) الثاني: أن معنى المربطة انتظار الصلاة بعد الصلاة. ((فخر رازی، ۱۳۷۹، ۹: ۴۷۵)

اسلام همواره دم از حیات و زندگی می‌زند، می‌گوید این پیغمبر برای شما حیات و زندگی آورده است. زندگی یعنی بینایی و توانایی. به هر درجه که بینایی و توانایی بیشتر شود، حیات بیشتر است. وقتی نور فطرت در انسان خاموش شد، او تبدیل به یک موجود مرده می‌شود. (مطهری، ۱۳۹۴: ۵۹) در مسیر شناخت حق و در مواجهه و رویارویی شبهات باید تمام سعی و تلاش خود را بکار گرفت و در خط مقدم جبهه، برای تبیین صحیح باورهای دینی و از بین رفتن ثغور و شکاف‌های ایجاد شده، با تمام توان همراه با روشنگری، بصیرت افزایی و آگاهی بخشی نسبت به عملکرد دین‌باوری، یاری دین و توجه به جایگاه دین در حکومت‌داری در راستای خدمت صادقانه، قدم برداشت و میدان جهاد را مدیریت کرد. خداوند خود را به‌عنوان اولین مبین «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶) پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان دومین «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ» (نحل: ۴۴) و ائمه (ع) را سومین «وَيُبَيِّنَ فَرَائِضَهُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳) تبیین‌کننده فرائض معرفی می‌کند و در جایگاه بعد، عالمان، اندیشمندان و صاحبان اندیشه و سایر مردم در قبال تبیین، مسئولیت دارند که این تبیین، لوازمی هم چون سرعت، فرصت، شفافیت، معرفت خدا، لزوم دشمن‌شناسی، شناخت حق و باطل و اطاعت الهی از لوازم ایمان است که بیداری و حضور به‌موقع در صحنه اجتماعی و تبیین درست و به‌هنگام در مسیر ناکام‌سازی دشمن را به همراه خواهد داشت. علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ؛ آن‌که به خواب رود بداند که دشمن او نخواهیده است». (نهج البلاغه، نامه ۶۲)



۴-۱. ابن عربی: تأویلات عبدالرزاق

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا لِلَّهِ وَصَابِرُوا مَعَ اللَّهِ وَارْبُطُوا بِاللَّهِ؛ أى اصبروا فى مقام النفس بالمجاهدة وصابروا فى مقام القلب مع سطوات تجليات صفات الجلال بالمكاشفة واربطوا فى مقام الروح ذواتكم بالمشاهدة حتى لا يغلبكم فترة أو غفلة أو غيبة بالتلوينات وَ اتَّقُوا اللَّهَ فى مقام الصبر عن المخالفة والرياء وفى المصابرة عن الاعتراض والامتلاء وفى المراقبة عن البقية والجفاء لكى تفلحوا الفلاح الحقيقى السرمدى الذى لا فلاح وراءه، إن شاء الله. (كاشانى، ۱۳۹۳، ۱: ۱۳۵)

صبر در مجاهدت با نفس و صبر در كشف مظاهر جلالت الهى و پیوند خوردن به مشاهده و در عین حال دورى از غفلت و صبر در پرهیز از نافرمانى و نفاق و استقامت و خودشکوفایی که در پس بیدارى رقم خواهد خورد و با استقامت و مجاهدت همراه شده و مسئولیت اجتماعى را رقم خواهد زد.

در معانى الاخبار، ذیل آیه شریفه آمده است: «فرموده اصبروا؛ يعنى در مصائب صبر کنید و صابروا يعنى بر دشواری های فتنه صبر کنید، و رابطوا يعنى بر اطاعت كسى که بدو اقتدا می کنید استوار باشید؛ (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۳۶۹) يعنى تکتک شما بر دین خود صبر کنید، دسته جمعی بر دفع دشمن صبر کنید و با امام خود رابطه ای استوار داشته باشید. (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱: ۲۱۲) قریب به این معنا از طرق اهل سنت از رسول خدا^(ص) نیز نقل شده است. (سیوطی، ۱۴۱۴، ۲: ۱۱۴) و در کافی از امام صادق^(ع) روایت آورده که در معنای جمله اول فرموده: «بر انجام واجبات صبر کنید» و در معنای جمله دوم فرموده: «بر مصائب صبر کنید» و در معنای جمله سوم فرموده: «بر امامان خود صبر کنید»؛ يعنى اطاعت آنان را گردن نهید. (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۸۱)

مصابره عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر است، دست به دست هم دهد تا تأثیر صبر بیشتر گردد؛ باعث می شود که تکتک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود و این همان انجام



صحیح مسئولیت اجتماعی است. وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شداید و همین وصل کردن نیروها؛ اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شداید، بلکه همه نیروها و کارها در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی که این صبر، مصابره و رابطه باید همراه با تقوای الهی باشد تا جامعه مسلمانان را به سعادت حقیقی برساند. (طباطبایی، ۱۳۴۵، ۴: ۱۵۶)

۵. اقوال مفسرین شیعه

۱-۵. شیخ طوسی: التبیان فی تفسیر القرآن

شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌گوید:

اختلفوا فی تأویل هذه الآیة، فقال قوم: معنی اثبتوا علی دینکم و صابروا الکفار و رابطوهم یعنی فی سبیل الله... و قال آخرون: معناها اصبروا علی دینکم و صابروا الوعد الذی وعدتکم به و رابطوا عدوی و عدوکم؛ در تفسیر این آیه اختلاف کردند و برخی گفتند «اصبروا» این است که در دینت ثابت قدم باش و بر کفار شککیا باش و بر آنان صبر کن؛ یعنی در راه خدا... دیگران گفتند بر دینت شکیبایی کن «و شکیبایی کن» وعده‌ای که به شما وعده دادم: «و با دشمنم و دشمنت پیوند بزن». خداوند در سوره فصلت آیه ۳۰ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»؛ بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند]: مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد. در حدیث دیگری از پیغمبر گرامی اسلام (ص) می‌خوانیم که این آیه را تلاوت فرمود، سپس افزود: «قَدْ قَالَهَا نَاسٌ، ثُمَّ كَفَرُوا أَكْثَرُهُمْ، فَمَنْ قَالَهَا حَتَّى يَمُوتَ فَهُوَ مِمَّنِ اسْتَقَامَ عَلَيْهَا»؛ گروهی این سخن را گفتند، سپس اکثر آنها کافر شدند، اما کسی که این سخن را بگوید و همچنان به آن تداوم دهد تا مرگش فرا رسد، او از کسانی است که بر آن استقامت کرده». (طوسی، بی‌تا، ۹: ۱۷)



و أصل الرباط ارتباط الخيل للعدو و الربط الشد و منه قولهم ربط الله على قلبه بالصبر، ثم استعمل في كل مقيم في ثغر يدفع عمن وراء من أرادهم بسوء (طوسی، بی تا، ۳: ۹۵) و روی عن أبي جعفر^(ع) انه قال اصبروا على المصائب و صابروا على عدوكم و رابطوا عدوكم. از ابو جعفر^(ع) روایت شده است که فرمود: در مصیبت‌ها شکیا باش و پیشی بگیر. در برابر دشمنت صبور باش و از دشمنت حمایت کن. «منشأ بند بستن اسبان به دشمن است و بند محکم است و از آن قول آن‌ها است: خداوند قلبش را به شکیبایی بست، ... پشت سر کسانی که به آن‌ها ضرر می‌خواهند. از ابو جعفر^(ع) روایت شده است که فرمود: در مصیبت‌ها شکیا باش و پیشی بگیر. در برابر دشمنت صبور باش و از دشمنت حمایت کن.» صبر در دین‌داری و دین‌یاری که دین‌یار بودن بر مدار انجام درست مسئولیت اجتماعی افراد جامعه صورت خواهد گرفت.

۲-۵. طبرسی: مجمع البیان

ربط: شد و بستن و بعداً برای هرکسی که در حصاری پناه گیرد و در آن از دشمنان بیرون حصار دفاع کند استعمال شده است. رباط: به صف کردن و آماده نمودن اسبان برای مقابله با دشمن. اینکه خداوند پس از بیان حال مؤمن و کافر، مردم را بر صبر بر طاعت و جهاد در راه خدا می‌خواند. (طبرسی، ۱۳۵۰، ۴: ۳۹۹) بر دین خود صبر کنید؛ یعنی ثابت بمانید و با کفار صبوری کنید و در راه خدا با ایشان لشکرکشی کنید؛ صبر بر طاعت خدا و ترک معاصی و با جنگ در برابر دشمن. بر قتال ایشان در راه حق صابر باشید چنانکه ایشان در راه جنگ بر باطل صابر هستند و لفظ «صابروا» از باب مفاعله برای این است که بین طرفین و دو نفر است (شما صابر باشید در جنگ با ایشان چنان که ایشان در جنگ با شما صابرند).

صبر بر جهاد کنید و رابطوا؛ یعنی برای نمازها یکی یکی آماده و منظم شوید. از پیغمبر اکرم^(ص) روایت است که درباره بهترین اعمال از حضرت سؤال کردند، فرمود: «کامل و خوب وضو گرفتن در بامدادان در هوای سرد و به نماز جماعت رفتن و انتظار نماز بعد از نماز و این رباط است». از حضرت باقر^(ع) روایت شده که اصبروا؛ یعنی

بر مصائب شکبیا باشید و صابروا؛ یعنی در برابر دشمن پافشاری کنید و رابطوا؛ یعنی به جلوی دشمن لشکرکشی کنید. «صابروا» شامل چیزهایی است که در برابر دیگری باید انجام دهد؛ مثل جهاد با دشمن و مهم‌تر از آن جهاد با نفس و «رابطوا» شامل دفاع از مسلمین و دین می‌شود. جمله «وَ اتَّقُوا اللَّهَ» شامل پرهیز از همه معاصی و محرّمات و عمل به همه اوامر و واجبات است و سپس پشت سر این اعمال و امور فلاح و نجات و رستگاری است. رباط به معنای مرابطه از باب مفاعله بین الاثنین است؛ یعنی هر قدر و به هر شکل که ایشان برای جنگ با شما لشکر و مرکب آماده می‌کنند، شما نیز برای جنگ با ایشان فراهم نمایید مثل آیه شریفه «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ». (طبرسی، ۱۳۵۰، ۴: ۴۰۰) و بر وعده من شکبیا باشید و با دشمنان من بقتال پردازید.

۳-۵. علامه طباطبایی: تفسیر المیزان

در این آیه چندین امر آمده؛ اصبروا، صابروا، رابطوا، اتقوا. صبر بر شدائد که شامل صبر در اطاعت خدا و همچنین صبر بر ترک معصیت و صبر تک‌تک افراد را شامل می‌شود. به دنبال آن صبر را به صیغه مفاعله - صابروا آورده که در مواردی استعمال می‌شود که ماده فعل بین دو طرف تحقق می‌یابد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۴۴) مصابره عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و در نتیجه برکاتی که در صفت صبر است، دست به دست هم دهد و تأثیر صبر بیشتر شده و تک‌تک افراد نیروی یکدیگر را به هم وصل کرده و همه نیروها یکی شود.

«رابطوا» که از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره عبارت است از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد «وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» که به فلاح حقیقی دست یافت. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ، وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛ هان ای مردم ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شعبه شعبه و قبیله قبیله‌تان کردیم تا یکدیگر را بشناسید». (حجرات: ۱۳) و آیه: «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (زخرف: ۳۲) ماییم که معیشتشان را در بینشان (در زندگی دنیا) تقسیم



کردیم و بعضی را به درجاتی مافوق بعضی دیگر قرار دادیم تا بعضی، بعضی دیگر را مسخر خود کنند. (همان، ۴: ۱۴۸) کمال مادی و معنوی اجتماع انسانی را در سامان بیشتر در اجتماع و خصائصی که به نحوی با نیروی علم و اراده در ارتباط هستند، می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۴۶) که ضامن اجتماع صالح می‌گردد.

دین اسلام تنها دینی است که بنیان خود را بر اجتماع نهاده و احکامش را در قالب‌های اجتماعی ریخته و روح اجتماع را به نهایت درجه امکان در کالبد احکامش دمیده است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۴۹) آیاتی هستند که به تشکیل اجتماعی خاص، یعنی خصوص اجتماع اسلامی بر اساس اتفاق و اتحاد و به دست آوردن منافع و مزایای معنوی و مادی آن، اشاره می‌کند؛ مانند آیه: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». (آل عمران: ۱۰۴) «باید از شما مسلمانان جمعیتی باشند که به‌سوی خیر دعوت نموده امر به معروف و نهی از منکر کنند». (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۵۱) قوای حکومت اسلامی را حافظ و مراقب تمامی شعائر دینی و حدود آن کرده و... اهتمام به امر اجتماع در حکومت و نظام اسلامی بیش از هر نظام دیگر است و باید ضمانت اجرایی داشته باشد. صلاحیت اسلام و حکومت اسلامی را برای هدایت مردم به‌سوی سعادتشان و پاکی حیاتشان، ثابت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۶۱) خداوند در آیه سوم سوره عصر، به سفارش یکدیگر به رعایت حق اشاره می‌کند. در تفکر اجتماعی در جامعه، خیر و شر، فساد و صلاح، تقوا و فجور، نیکی کردن و بدی کردن، یک‌یک آن‌ها در خیر و شر مجتمعتشان اثرگذار است و جامعه دارای شخصیتی واحد می‌گردد و ضمانت اجرایی آن را در درجه اول به عهده حکومت اسلامی و در درجه دوم به عهده افراد جامعه است تا با تربیت صالحه علمی و عملی، تعلق گرفتن اراده انسان‌ها و با داشتن حق امر به معروف و نهی از منکر در کار حکومت نظارت کنند و این همان، روح توحید است. (همان، ۱۳۷۸، ۴: ۱۷۳)

در لغزش‌ها و خطرهایی که انسان را از زندگی توحیدی دور می‌کند، بیداری می‌تواند او را از خطرات حفظ کند و قادر به تشخیص خوبی‌ها و بدی‌ها خواهد بود



و خدا را دانای به احوال خود و حفیظِ نفس می‌داند و به‌عنوان جزئی از این عالم، دارای اعضا و قوایی است و در عین حال که خود دگرگون نمی‌شود، مانع از توقف اجتماعات بشری از ترقی، تعالی و رکود می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۹۲) دین با صبغه و روش اجتماعی، مردم را به قبول آن واداشته و اقامه دین را از عموم مردم خواسته، پس اختیار مجتمع را به دست خودشان داده است. همه در مسئولیت امر جامعه برابرند و این برابری از آیه زیر به خوبی استفاده می‌شود: «أَنْتَ لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (آل عمران: ۱۹۵) چون اطلاق آیه دلالت دارد بر تأثیر طبیعی که اجزای جامعه اسلامی در اجتماع دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۹۴)

از بزرگ‌ترین تفاوت‌ها میان حکومت اسلامی و رژیم دموکراسی این است که در حکومت‌های دموکراسی از آنجاکه اساس کار، بهره‌گیری مادی است، قهراً روح استخدام غیر و بهره‌کشی از دیگران در کالبدش دمیده شده است. این همان استکبار بشری است که همه چیز را تحت اراده انسان حاکم و عمل او قرار می‌دهد. حتی انسان‌های دیگر را و به او اجازه می‌دهد از هر راهی که خواست، انسان‌های دیگر را در خدمت خود بگیرد و بدون هیچ قید و شرطی بر تمامی خواسته‌ها و آرزوهایی که از سایر انسان‌ها دارد، مسلط باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۹۵) پس دعوت به خیر با تلقین و تذکرش باعث ثبات و استقرار عقاید حقه در دل‌ها می‌شود و امر به معروف و نهی از منکر موانعی را که نمی‌گذارد عقاید حقه در دل‌ها رسوخ کند، از سر راه برمی‌دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۲۰۴)

۶. بیداری و مسئولیت اجتماعی در حکمرانی اسلامی

شخص بیدار و با بصیرت، مقدار تأثیر دعوت خود در دل‌ها را و میزان مسئولیت اجتماعی خود را در دیگران و اشخاص مختلف که دعوت او را می‌شنوند، می‌داند که تا چه حد تأثیر می‌گذارد. در نتیجه همه مردم را به یک‌زبان دعوت نمی‌کند، بلکه با زبان خود او دعوت می‌کند تا در دل او اثر بگذارد. در حالی که سم‌پاشی و تشویش اذهان و افکار جوانان و پوشاندن چهره تابناک اسلام و منحرف ساختن جوانان با



عناوین فریبنده و رنگارنگ، از مهم‌ترین آسیب‌های فکری بود که توسط رژیم پهلوی [در ایران] رقم می‌خورد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۲: ۴۳۶) و این ظرفیت انسان‌ها را نشان می‌دهد که در جای دیگر و در زمان دیگر، قابل رقم خوردن است. بر این اساس برای حفظ پشتیبانی‌های مردمی بایستی روشنفکران، نویسندگان، شاعران، علمای دین که وظیفه سنگین‌تری دارند، این مهم را برای مردم تبیین کنند که در کجای راه قرار دارند و ایشان را آگاه و با بصیرت نگه‌دارند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱)

شیخ حر عاملی در تفسیر آیات ۶۷ و ۷۸ آل عمران اشاره می‌کند که این آیات دلالت می‌کند بر اینکه جامعه مسلمین باید بر سر معارف دین، اجتماع داشته باشند و افکار خود را به هم پیوند داده [با حرکت صحیح در مسیر انجام درست مسئولیت اجتماعی] و محکم کنند. در تعلیم و تعلّم به هم درآمیزند تا از خطر هر حادثه فکری و هر شبهه‌ای که از ناحیه دشمن، القا می‌شود به وسیله آیاتی که برایشان تلاوت می‌شود راحت گردند. تدبیر در آن آیات، ریشه هر شبهه و هر مایه اختلافی را می‌خشکاند. هرگونه ضرری در اسلام ممنوع شمرده شده است: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِی الْإِسْلَامِ» (حرعاملی، ۱۳۶۸، ۲۶: ۱۴)

فتنه در دین؛ یعنی این که کسانی تلاش کنند به شیوه‌های شیطانی و با القای شبهه‌های فکری و اعتقادی، باورهای دینی مردم را متزلزل و مضطرب کنند. این فتنه‌گری در دین یکی از خطرناک‌ترین شیوه‌های مبارزه با اسلام و معارف اسلامی است و دشمن در شیوه‌های فتنه‌گری معمولاً از طریق سلاح‌های نرم و به شیوه مسالمت‌آمیز و از راه قلم و رسانه می‌کوشد تا افکار و اندیشه‌های مسلمانان را به انحراف بکشانند و خود را در چهره دوست و به‌عنوان خیرخواه مسلمانان معرفی کند. (ذوالفقاری و جاوری، ۱۳۹۱) سران فتنه با ترفندهای مختلف و با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای و با بهره‌برداری از نفوذی که در افکار عمومی دارند و بعضاً با استخدام چهره‌های موجه و مقبول سیاسی، اجتماعی و دینی تلاش می‌کنند امور باطل را حق جلوه دهند. ثمره شبهه این است که حق و باطل را بر مردم مشتبه می‌کند. (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۳، ح ۹۱۰۱)

بهترین راهی که بتوان به وسیله آن امر جامعه را تدبیر و اداره کرد، انجام صحیح مسئولیت اجتماعی تک تک آحاد جامعه است؛ زیرا هم در تکامل فکری را بر روی جامعه باز گذاشته می‌شود و هم شخصیت جامعه و حیات او را از خطر اختلاف و فساد حفظ می‌کند. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) «خدای تعالی هیچ نعمتی را که به قومی داده دگرگون نمی‌سازد تا زمانی که خود آن قوم خویشان را تغییر دهند. وعده خداوند است که «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»، «عاقبت برد با تقوا و اهل تقوا است». (طه: ۱۳۲) انسان به آن فطرتی که در او به ودیعه سپرده‌اند، طالب سعادت حقیقی خویش است و سعادت حقیقی او این است که بر کرسی فرماندهی بر جسم و جان خویش مسلط شود، زمام حیات اجتماعی‌اش را به دست خویش بگیرد و این همان اسلام و دین توحید است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۲۰۹)

اولین باری که بشر متوجه منافع و مصالح اجتماع شد، زمان بعثت اولین پیامبر بود و انسان، به مصالح آن پی برد و در صدد حفظ آن مصالح برآمد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً، فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ، لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا». (بقره: ۲۱۳) اختلاف در بین افرادش پیدا شد و اختلاف هم به مشاجره و نزاع انجامید. لذا خدای تعالی انبیا را برانگیخت و با آنان کتاب فرستاد تا به وسیله آن کتاب اختلاف‌ها را برطرف کنند و دوباره به وحدت اجتماعی‌شان برگردانند و این وحدت را به وسیله قوانینی که تشریع فرموده، حفظ کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۴: ۱۴۷) و نیز در آیه «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا، وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ، وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى، أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»، (شوری: ۱۳) می‌گوید که با این کلام خود خبر داده از اینکه رفع اختلاف از بین مردم و ایجاد اتحادشان در کلمه، فقط از راه دعوت به اقامه دین و اتحادشان در دین واحد، تحقق می‌یابد، پس تنها دین است که ضامن اجتماع صالح آنان است. امام حسین^(ع)، با قیام عاشورا به دفاع از اصول عالی اخلاقی و انسانی برآمد و به عنوان یک الگوی برجسته از بیداری و مسئولیت اجتماعی، مطرح گردید. توسعه هر چه بهتر روابط صحیح اجتماعی افراد یک جامعه، بستگی به تدوین و ارائه



تربیت اجتماعی بر پایه فرهنگ‌ها، عقاید، اهداف و سیاست‌های تربیتی آن جامعه دارد. حکمرانی اسلامی نظارت دقیق بر اجرای قوانین، مقابله جدی با مفاسد مختلف در درون نظام اداری و مملکتی حکمرانی اسلامی، مشارکت دادن برابر تمام افراد، گروه‌ها و اقلیت‌های قومی فارغ از هرگونه نگاه ایدئولوژی، تقویت نظام انگیزشی تشویق و رعایت شایسته‌سالاری در امر اداره حکومت می‌تواند کم‌توجهی و بی‌تفاوتی به مسئولیت‌های اجتماعی افراد در حکومت اسلامی رفع نماید. (بسطامی، ۱۳۹۶)

نتیجه‌گیری

بیداری حقیقی انسان در عالم هستی همراه با صیروت، شدن و ظهور زمینه‌های بالقوه و بالفعل استعدادها و بروز آگاهانه و آزادانه نقش‌ها و موقعیت‌های فردی و اجتماعی و حرکت به سمت کمال حقیقی است. تنها در این صورت می‌توان انسان را به‌عنوان جزئی از کل به حساب آورد و البته با نگاه معنوی، اشرف این کل. معیارهای این اشرفیت و بیداری مخصوصاً در حوزه حکمرانی اسلامی، موارد ذیل است که به عنوان جمع‌بندی و نتیجه این تحقیق ارائه می‌گردد:

۱. باور توحیدی و ایمان متعهدانه و مسئولیت‌آور که به حرکت از ظلمات به سمت نور می‌انجامد. ارتباط مستقیم با مسئولیت‌ها، نه تنها باعث هوشیاری ویژه‌ای در امور دینی می‌شود، بلکه به مشارکت فعال در امور اجتماعی تشویق می‌کند که مسئولیت افراد را در ساختار اسلامی به‌عنوان بخش اساسی حکمرانی اسلامی گوشزد می‌کند.
۲. ایمان آگاهانه همراه با بیداری، منتج به صبر فردی و جمعی، بیداری اجتماعی، تقویت ارتباطات مثبت، اجرای صحیح مسئولیت اجتماعی و کوشیدن در مسیر دین حق و دفاع از مرزهای اسلام در خط مقدم می‌گردد.
۳. این آیه در دیدگاه هر دو جریان شیعه و سنی، بر صبر و پایداری در اجتماع و تحمل مسئولیت‌های اخلاقی و با ورود در حیطه پاسخ‌گویی به شبهات مخالفین و حل شکوک دیگران، تبیین صحیح باورهای دینی و از بین بردن شکاف‌های ایجاد شده همراه با روشنگری و آگاهی بخشی و تحمل اذیت‌ها و شدائد دیگران تأکید دارد.



۴. ایمان و بیداری به صبر در تحمل مسئولیت‌های اجتماعی و در مجاهدت با نفس، صبر، استقامت، خودشکوفایی و ورود صحیح به حیطه امر به معروف و نهی از منکر، بهبود احوال اجتماعی و رسیدن به سعادت حقیقی منتهی می‌گردد.
۵. حکمرانی اسلامی با توجه به صلاحیتی که دارد، به تربیت حکیمانۀ افراد صالح علمی و عملی، آمادگی برای مواجهه با دشمن، هدایت مردم به سوی سعادت، تأکید فراوان بر اتحاد و یکپارچگی جامعه اسلامی، اصل وحدت در چارچوب دستورات الهی (اصل تعاون) و گسترش روابط میان مسلمانان باهدف اتحاد که همان روح توحید است، مداومت دارد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۱)، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. اسکی، محمد شفی، (۱۳۹۹)، تحلیل حق و عدالت و مسئولیت اجتماعی در آموزه های قرآنی، فصلنامه مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام.
۴. انصاری، خواجه عبدالله، (۱۴۱۷ق)، منازل السائرین، تهران: دار العلم.
۵. آذرنوش، آذرتاش، (۱۴۰۱ق)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران: نشر نی.
۶. بسطامی، عیسی؛ سیف الاهی، سیف الله؛ (۱۳۹۶)، تحلیل و تبیین جامعه شناختی استمرار احساس اجحاف و کم توجهی به مسئولیت های اجتماعی در ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۲
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۶۷)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۸. حکیمی، محمدرضا، (۱۳۷۱)، الحیاء، (ترجمه: احمد آرام)، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۹. حکیمی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، حکومت اسلامی از نظر قرآن و احادیث، قم: انتشارات علمی-فرهنگی الحیاء.
۱۰. خادمی، عین الله، ماجدی، قدسیه، (۱۳۹۳)، چیستی ایمان از دیدگاه ملاصدرا، مجله علمی فلسفه دین،
۱۱. دامغانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق)، الوجوه والنظائر لالفاظ کتاب الله العزیز، قاهره: نشر مهوریه مصر العربیه.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.





۱۳. ذوالفقاری، شهاب‌الدین، جاوری، محمدجواد؛ (۱۳۹۱)، *افشای طرح‌های ایجاد فتنه در قرآن، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، فروردین، دانشکده معارف قرآنی اصفهان.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: الدار الشامیه.
۱۵. ریاضی، حشمت‌الله، (۱۳۷۲)، *ترجمه بیان السعاده*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۶. زمخشری، جارالله، (بی‌تا)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. سبحانی نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن، (۱۳۹۳)، *تحلیل ابعاد شناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی*، نشریه علمی وزارت علوم، سراج منیر، شماره ۱۶.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۱۴ق)، *الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور*، بیروت: دارالفکر.
۱۹. صفایی حائری، علی، (۱۳۸۲)، *مسئولیت و سازندگی*، قم: انتشارات لیلۃ القدر.
۲۰. صفایی حائری، علی، (۱۳۸۶)، *شرحی بر دعا‌های روزانه حضرت زهرا(س)*، قم: انتشارات لیلۃ القدر.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۸)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۳)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، (ترجمه: هاشم رسولی)، تهران: نشر فراهانی.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. عاملی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۰ق)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی: سید کلانتر)*، قم: انتشارات داوری.
۲۵. عمر، احمد مختار، (۱۴۲۹ق)، *معجم اللغة العربیة المعاصره*، قاهره: عالم الکتب.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمیه.



۲۷. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۳۷۹)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، تهران: اساطیر.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۲۸ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، بیروت: المكتبة العصرية.
۲۹. قاسمی آرانی، ابوذر، (۱۳۹۲)، امام خمینی و بیداری اسلامی، حبل المتین، سال دوم، بهار، شماره ۲.
۳۰. قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. کاشانی، عبدالرضا، (۱۳۹۳)، تاویلات قرآن حکیم، (ترجمه: هاشمی علیا، سید جواد)، تهران: نشر مولی.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. محق، محمد باقر، (۱۳۸۴)، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، تهران: نشر اندیشه اسلامی.
۳۴. محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۱۳ق)، میزان الحکمه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، انسان و ایمان، تهران: انتشارات صدرا.
۳۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران: انتشارات صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۴)، احیای تفکر دینی و علل دین گریزی، تهران: بینش مطهر.
۳۸. مطیع، مهدی؛ دلشاد تهرانی، مصطفی؛ اسعدی، سوده، (۱۳۹۲)، بررسی مفهوم یقظه از دیدگاه خواجه عبدالله انصاری با بهره گیری از قرآن کریم، نشریه علمی وزارت علوم مطالعات قرآن و حدیث.
۳۹. معلوف، لوئیس، (۲۰۰۰م)، المنجد اللغة العربیة المعاصره، بیروت: دارالمشر.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۸)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۲. میبدی، رشیدالدین ابوالفضل، (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: نشر امیرکبیر.